



بررسی بین کشوری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد به نهادهای رسمی

محمود شارع‌پور^۱، محمد فاضلی^۲ و الهه اقراریان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۰۵

چکیده

شکل‌گیری دولت-ملت‌ها در عصر جدید، اهمیت روزافزون دولت‌ها را موجب شد که نقشی حیاتی در بیشتر پدیده‌های اجتماعی داشتند. اعتماد نهادی به‌طور عام و اعتماد به نهادهای رسمی به‌طور خاص، به عنوان سنگ بنای توسعه و از ملزومات دنیای مدرن تلقی می‌شود. اعتماد به نهادهای رسمی تأثیر حکومت‌ها را در ایفای نقش خود افزایش می‌دهد و بهره‌وری آن‌ها را بالا می‌برد. مقاله‌ی حاضر در یک بررسی میان‌کشوری، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد به نهادهای رسمی را واکاوی کرده است. روش پژوهش از نوع تحلیل ثانویه بوده است. بدین‌منظور داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، پیمایش جهانی شاخص‌های حکمرانی، پیمایش جهانی دموکراسی انتخاباتی (خانه‌ی آزادی) و پیمایش جهانی آزادی بر حسب رتبه‌بندی منطقه‌ای (خانه‌ی آزادی) در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۵ مورد استفاده قرار گرفت. ابتدا کشورهای مختلف از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای رسمی، به شش گروه تقسیم شدند. یافته‌ها نشان داد که بین این شش گروه از کشورها، تفاوت میانگین معناداری از لحاظ متغیرهای: کنترل فساد، حاکمیت قانون، کارآمدی حکومت و اعتماد به نهادهای رسمی وجود دارد؛ اما بین این شش گروه، تفاوت میانگین معناداری از لحاظ دموکراسی انتخاباتی، حقوق سیاسی و آزادی مدنی، مشارکت اجتماعی با اعتماد به نهادهای رسمی وجود نداشت. در آزمون رگرسیون چندمتغیره، سه متغیر حکمرانی خوب (شامل شش شاخص)، مشارکت اجتماعی و آزادی سیاسی وارد شدند. این متغیرها مجموعاً ۴۱ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی اعتماد به نهادهای رسمی را تبیین نمودند. به علاوه متغیر حکمرانی خوب و آزادی سیاسی از قدرت بیشتری برای تبیین اعتماد به نهادهای رسمی برخوردار بود.

واژه‌های کلیدی: اعتماد به نهادهای رسمی؛ اعتماد نهادی؛ حکمرانی خوب؛ کیفیت نهادها

^۱ - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) sharepour@yahoo.com

^۲ - عضو هیات علمی مرکز بررسی‌های استراتژیک، fazeli114@yahoo.com

^۳ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران. Elaheghrarian@yahoo.com

مقدمه

اعتماد هم به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و هم به عنوان یک ویژگی خاص و عاملی مستقل، موجب ایجاد پیامدهای اجتماعی فراوانی می‌شود و در ادبیات توسعه و دموکراسی نقش مهمی دارد. اعتماد، انتظام اجتماعی ایجاد می‌کند و سبب انسجام و تعاون اجتماعی می‌شود، تعاملات اجتماعی را تنظیم می‌کند و روابط اجتماعی را روان و بی‌اشکال می‌سازد (میزتال^۱، ۱۹۹۸: ۹). اعتماد شهروندان به یکدیگر و اعتماد آن‌ها به نهادهای اجتماعی همراه با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی سودمند می‌تواند اثرات مثبت بی‌شماری چون سلامت جسمی و روانی شهروندان (فاضلی و جنادله، زیر چاپ)، مشارکت در طرح‌های توسعه (ازکیا و حسنی‌راد، ۱۳۸۸) تا کارآیی نظام اقتصادی و سیاسی جامعه داشته باشد (هالپرن^۲، ۲۰۰۵: ۲۱). اعتماد باعث تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی می‌شود و بدون آن هیچ کنش متقابل مطمئنی شکل نمی‌گیرد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳) اعتماد نهادی اعتماد به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی و گسترده‌ای همچون نهادها و اصناف است. این بعد از اعتماد، اعتماد فرد به نهادها به‌ویژه نهادهای رسمی دولتی را نشان می‌دهد، نهادهایی مانند: پلیس، هیئت دولت، حکومت، دادگاه‌ها، بانک‌ها، شهرداری‌ها و ...

ما دیگر در جامعه‌ی مبتنی بر شانس و تصادف زندگی نمی‌کنیم؛ بلکه در جامعه‌ی مبتنی بر کنش هدفمند انسانی زندگی می‌کنیم و برای اینکه با آینده برخورد فعالانه و سازنده داشته باشیم، نیاز به اعتماد داریم. امروز بیش از هر زمان دیگری به تعبیر دورکیم به انسجام ارگانیک (انداموار) دست یافته‌ایم. تقسیم کار شدید، دارای این ویژگی است که آسیب‌پذیری فرد را در مقابل قصور دیگران برای انجام مسئولیت‌هایشان زیاد می‌کند. ما همواره نیاز داریم که به کارآیی، مسئولیت‌پذیری و نیت خیر افراد گمنام اعتماد کنیم. هر فردی در زندگی روزمره الزاماً باید قسمتی از آرامش، رفاه، امنیت، سلامت، برخورداری از عدالت و حاصل مثبت از عملکرد خود را در نحوه‌ی عملکرد دیگران جستجو کند و این وابستگی به عملکرد دیگران روزبه‌روز افزایش می‌یابد و برای بهره‌مندی و برخورداری از خدمات و عملکرد دیگران ناچاریم به آن‌ها اعتماد کنیم و به این ترتیب از مزایای اعتماد اجتماعی استفاده کنیم. پیچیدگی جوامع لزوم اعتماد به افراد ناآشنا و نظام‌های انتزاعی، نقش‌ها، دولت‌ها و به‌طور کلی اعتماد به نهادها را آشکار می‌سازد. گیدنز اساس نظریه‌ی خود درباره‌ی ماهیت نهادهای مدرن را به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی مرتبط می‌داند و معتقد است در شرایط

^۱. Miztal

^۲. Halpern

مدرنیت، آینده همیشه باز است و باز بودن آینده را به باز اندیشی دانش و ارتباط آن با عملکردهای اجتماعی سازمان دهنده وابسته می‌داند. او معتقد است خصلت آینده‌گرایانه‌ی مدرنیت بیشتر از طریق اعتماد به نظام‌های انتزاعی شکل می‌گیرد. یعنی کنشگران غیر متخصص به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌ورزند. گیدنز رویکردهای اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های خاص (نهادهای) را تحت تأثیر شدید تجربه‌های افراد از نقاط دسترسی (ارتباط و برخورد مردم با فعالان در نظام یا نهادهای) و همینطور دانش‌هایی می‌داند که از طریق رسانه‌های ارتباطی و دیگر منابع در دسترس افراد قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۵).

افزایش توجه به اعتماد دقیقاً جنبه‌ای از چرخش فرهنگ‌گرا در نظریه‌ی جامعه‌شناختی است و بازتاب علاقه‌ی بالنده‌ای به حوزه‌ی به‌اصطلاح نرم متغیرهای فرهنگی، نامحسوسات و سنجش ناپذیری‌های حیات اجتماعی است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۳۵). برخی از ویژگی‌های جامعه‌ی معاصر سبب شده که اعتماد، اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. از جمله اینکه یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی امروز، عدم یقین و عدم قطعیت است. به تعبیر لوهمن، ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که میزان وابستگی آینده جامعه به تصمیم‌گیری، افزایش یافته است. به علاوه، جهان ما بشدت بهم وابسته است. در درون هر جامعه‌ای، تمایز و تخصص نقش‌ها، کارکردها، مشاغل، سلاطین و سبک‌های زندگی، بسیار زیاد شده است. یعنی بیش از هر زمان دیگری، به تعبیر دورکیم به انسجام ارگانیکی دست یافته‌ایم. همکاری در درون جامعه و بین جوامع، به یک نیاز ضروری تبدیل شده است. تقسیم کار شدید دارای این ویژگی است که آسیب‌پذیری فرد را در مقابل قصور دیگران برای انجام مسؤلیت‌های‌شان، زیاد می‌کند. هرچقدر وابستگی انسان‌ها بهم بیشتر باشد، اهمیت اعتماد بیشتر می‌شود. به همین جهت میزتل معتقد است که بهم‌وابستگی سبب شده نیاز به اعتماد بیشتر شود. به‌طور کلی هرقدر میزان تمایزپذیری اجتماعی^۱ در جامعه بیشتر شود، پیچیدگی جامعه بیشتر شده و در نتیجه نیاز جامعه به اعتماد بیشتر می‌شود.

شناسایی عوامل مؤثر بر اعتماد به نهادهای حکومتی می‌تواند سوالات زیادی را پاسخ دهد از جمله اینکه: چه چیزی سبب می‌شود که شهروندان در برخی کشورها به دولت‌های خود جهت پرداخت مالیات و اقدام دولت برای هزینه نمودن مالیات‌های آن‌ها در یک مسیر مناسب و مسؤولانه اعتماد کنند و در برخی کشورها به دولت در این مورد بی‌اعتماد باشند؟ این مقاله از طریق پژوهش تطبیقی بین‌کشوری می‌کوشد تا به شناسایی عوامل مؤثر بر اعتماد به نهادهای رسمی بپردازد تا راهگشای پاسخ به سوالات مطرح شده در زمینه اعتماد به نهادهای رسمی حکومتی باشد.

^۱. Social differentiation

مرور مطالعات پیشین

از میان پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی به بیان چند مورد که مرتبط با موضوع پژوهش است بسنده می‌کنیم.

شارع پور در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی به نیروهای انتظامی (مطالعه موردی: استان مازندران)" دیدگاه جامعه‌محور و نهادمحور را مورد توجه قرار داده و در پی مقایسه‌ی این دو دیدگاه در تحلیل اعتماد مردم به پلیس است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سوالات است: نقش عوامل فردی و خاستگاهی نظیر سن، جنس، تحصیلات و ... در تبیین اعتماد مردم به پلیس چیست؟ نقش ابعاد فرهنگی سرمایه اجتماعی (اعتماد تعمیم یافته، اعتماد غیررسمی، معامله به مثل، و احساس امنیت) در تبیین اعتماد مردم به پلیس چیست؟ نقش ابعاد ساختاری سرمایه اجتماعی (مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی، حمایت عاطفی و مادی شبکه) در تبیین اعتماد مردم به پلیس چیست؟ نگرش مردم در مورد کیفیت ارائه‌ی خدمات دولتی از سوی دستگاه‌های اجرایی چه تأثیری بر میزان اعتماد آن‌ها به پلیس دارد؟ تحلیل رگرسیونی انجام شده در این تحقیق حاکی از آن بود که در تبیین اعتماد مردم به پلیس بسیار بیشتر از متغیرهای فردی و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه، متغیرهای اجتماعی عوامل مربوط به حکومت عادلانه و کارآمد مؤثر است. براین اساس نوع نگرش مردم به کنشگران دولتی و نحوه عملکرد سازمان‌های دولتی بر ارزیابی آنان از قابلیت اعتماد به پلیس تأثیر فراوانی دارد. به عبارت دیگر مهم‌ترین متغیر برای پیش‌بینی اعتماد مردم به پلیس، نوع نگرش و قضاوت آن‌ها در باره عملکرد دستگاه‌های دولتی است. افزودن متغیر نگرش مردم به دستگاه‌های دولتی به معادله رگرسیونی سبب شد که قدرت پیش‌بینی و تبیین مدل به طرز محسوسی افزایش یابد که این نشان دهنده اهمیت این متغیر در تبیین اعتماد مردم به نیروی انتظامی است. متغیرهای موجود در مدل نهایی قادر بودند ۳۳ درصد از تغییرات واریانس اعتماد مردم به پلیس را تبیین کنند (شارع پور، ۱۳۸۸: ۱۶-۲).

"تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی" عنوان پژوهشی است که سردارنیا و همکاران انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی می‌پردازد. تأثیر متغیرهای احساس امنیت اجتماعی، نبود فساد و تبعیض به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب و متغیرهای اعتماد عمومی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و چند متغیر زمینه‌ای برای اعتماد سیاسی به آزمون گذاشته شده‌اند. به منظور سنجش متغیر وابسته تحقیق، اعتماد به ۲۱ نهاد دولتی مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های آزمون چند متغیره نشان داد که متغیرهای

مربوط به حکمرانی خوب بهتر از متغیرهای مربوط به سرمایه اجتماعی تبیین گر واریانس اعتماد سیاسی است. به علاوه نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به اعتماد نهادی نشان می‌دهد که اعتماد پاسخگویان به ۲۱ نهاد دولتی در قالب سه عامل پنهان، قابل دسته‌بندی است: نهادهای مرتبط با نیازهای روزمره، نهادهای کنترلی و نهادهای سیاسی که نهادهای سیاسی بیشترین میزان واریانس متغیر اعتماد سیاسی کل را تبیین می‌کند (سردارنیا، قدرتی و اسلام، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۳۵).

اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه: شهر سبزوار) عنوان پژوهشی است که منصوریان و قدرتی انجام داده‌اند. این تحقیق نیز به سنجش قدرت تبیین دو رهیافت نهادمحور و جامعه‌محور پرداخته است و متغیر وابسته‌ی این پژوهش، اعتماد اجتماعی است که با دو بعد اعتماد رقیق یا تعمیم یافته و اعتماد غلیظ یا خاص گرایانه سنجیده شده است. با اینحال تمرکز اصلی این تحقیق بر اعتماد رقیق است و چارچوب نظری مورد نظر نیز برای تبیین اعتماد رقیق ارائه شده است. فرضیه‌های این تحقیق از دو نظریه استخراج شده است: نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و نظریه نهادی روثستاین و استول. یافته‌های آزمون تک متغیره نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل تجربه‌ی تبعیض، فساد، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد نهادی (که متغیرهای نظریه‌ی نهادی هستند) و سن با اعتماد رقیق رابطه معنا دار وجود دارد. جهت رابطه برای دو متغیر اول، معکوس و برای باقی متغیرها مستقیم است. اما رابطه اعتماد با متغیرهای: میزان عضویت در گروه‌های رسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان عضویت در گروه‌های غیررسمی، تحصیلات، درآمد و مرتبه شغلی معنادار نیست. در آزمون چندمتغیره متغیرهای اعتماد نهادی، فساد، امنیت اجتماعی و سن به ترتیب وارد معادله شدند و مجموعاً ۵۳ درصد از واریانس متغیر اعتماد را تبیین می‌کنند. نتایج همچنین نشان داد که قدرت تبیین نظریه‌ی نهادی نسبت به نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی جهت تبیین اعتماد در جامعه‌ی مورد مطالعه بیشتر است (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۲۱۵-۱۸۹).

روثستاین^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ی ای با عنوان «فساد، شادی، اعتماد اجتماعی و دولت رفاه: رویکردی به مکانیسم علی» می‌کوشد رابطه‌ی بهزیستی و دولت رفاه را در الگوی علی پیچیده‌ی ای با دو متغیر درجه فساد و سطح اعتماد اجتماعی در جامعه نشان دهد و به این سوال پاسخ دهد که چرا کشورهایی با برنامه‌های بزرگ دولت رفاه در سطوح پایین فساد و درجه بالایی از اعتماد اجتماعی و نیز سطح بالایی از شادی قرار دارند و برعکس چرا کشورهایی با سیستم رفاه کوچکتر و تمایل کمتر برای اجرای برنامه‌های رفاه جهانی سطح بالاتری از فساد و سطوح

1. Rothstein

پایینی از شادی و اعتماد اجتماعی را تجربه می‌کنند. روستاین نتیجه گرفت که کشورهایی با سطوح بالای فساد سطوح پایینی از شادی، اعتماد اجتماعی و اجرای برنامه‌های دولت رفاه را تجربه می‌کند و فساد، شادی و اعتماد اجتماعی و اجرای برنامه‌های دولت رفاه همبستگی زیادی با یکدیگر دارند. روستاین در تشریح مکانیسم علی خود اشاره می‌کند که برنامه‌های دولت رفاه با پایین آوردن سطح فساد و بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی به بهبود شاخص‌های بهزیستی از جمله شادی کمک می‌کنند.

مقاله دیگر در این زمینه مربوط به روستاین و استوله^۱ (۲۰۰۸) است. به اعتقاد آن‌ها، می‌توان نظریه‌های اعتماد را به دو دسته تقسیم کرد: رهیافت جامعه‌محور و رهیافت نهادمحور. از نظر آن‌ها وجود اعتماد تعمیم‌یافته نشانگر آمادگی بالقوه‌ی شهروندان جهت همکاری و مشارکت با هم و انجام فعالیت‌های مدنی است. نگرش‌های مربوط به اعتماد تعمیم یافته فراتر از مرزهای تعامل رودررو رفته و افرادی را که با هم آشنا نیستند یکپارچه می‌سازند. همچنین این نگرش‌ها فراتر از محدوده‌های خویشاوندی، دوستی و آشنایی گسترش می‌یابند. از نظر روستاین و استوله آنچه برای اعتماد تعمیم یافته مهم است کارآمدی و عدالت نهادها است و فقدان اعتماد به نهادها، وجود فساد و رشوه خواری و احساس ناامنی در رابطه با دیگران بر اعتماد تعمیم یافته تأثیر می‌گذارد.

پژوهش دیگر مقاله‌ای با عنوان "دولت و سرمایه اجتماعی: نظریه نهادی اعتماد عمومی" است که توسط روستاین در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است. هدف این مقاله ارائه‌ی یک تئوری جدید برای تولید سرمایه اجتماعی است. نویسنده بیان می‌دارد که: در بحث از منابع سرمایه اجتماعی همیشه تاکید شده است که اعتماد عمومی برساخته‌ای است که به وسیله‌ی خود شهروندان و با نفوذ شبکه‌ها و سازمان‌های جامعه‌ی مدنی در میان یک فرهنگ پدید می‌آید؛ اما از آنجا که این رویکرد فقط یک برساخته‌ی مخلوط و درهم‌آمیخته از شواهد تجربی است، این مقاله استدلال می‌کند که اعتماد اغلب در جوامعی با سطح بوروکراسی مؤثر، عادل و منصف رشد می‌کند و سازوکاری علی‌بین ویژگی‌های نهادی و اعتماد عمومی را نشان می‌دهد. بحث اصلی این مقاله این است که ساختار و ویژگی‌های نهادهای دولتی معاصر یک فاکتور مهم و نادیده‌گرفته‌شده برای تولید اعتماد عمومی است. او می‌گوید که چطور شهروندان احساس امنیت و حمایت را تجربه می‌کنند و چگونه استنباط خود از سیستم و مقامات دولتی را به شهروندان دیگر تعمیم می‌دهند. تجربه‌ی آن‌ها از تبعیض اعمال شده بر خودشان و نزدیکانشان چگونه است؟ همچنین وجود ارتباط بین ابعاد اعتماد نهادی و اعتماد عمومی با گرفتن

¹. Stolle

همبستگی میان نهادهای مبتنی بر اعتماد سیاسی با نهادهای دارای قدرت کنترل و اعتماد عمومی نشان داده شد. نکته کلیدی در این مقاله جهت‌گیری است و اینکه این نهادهای مؤثر و کارآمد و به دور از فساد و عادل هستند که اعتماد اجتماعی را پدید می‌آورند و نه برعکس. روستاین و اوسلانر (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان "همه برای همه: برابری، فساد و سرمایه اجتماعی" با اشاره به اهمیت اعتماد اجتماعی و لزوم تبیین آن در جستجوی یک متغیر قوی برای تبیین اعتماد اجتماعی در میان کشورها هستند. آن‌ها استدلال می‌کنند که اگرچه شرکت در انجمن‌های داوطلبانه بیشترین توجه را از سوی پژوهشگران علاقمند به اعتماد اجتماعی به خود جلب کرده است ولی شواهد اندکی وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت می‌تواند منجر به تولید اعتماد اجتماعی بشود. روستاین و اوسلانر در مورد منبع تعمیم اعتماد اجتماعی معتقدند باید متغیر دیگری را که به اندازه کافی قدرت تبیینی داشته باشد مورد بررسی قرار داد. آن‌ها متغیر برابری را معرفی می‌کنند و برای برابری دو بعد را مشخص می‌کنند: برابری اقتصادی و برابری فرصت‌ها. روستاین و اوسلانر معتقدند افزایش اعتماد اجتماعی از طریق کاهش نابرابری به این دلیل نادیده گرفته شده است که تحقیقات سرمایه اجتماعی با توجه بی‌اندازه به نقش عضویت در انجمن‌های داوطلبانه اکثراً توسط دولت‌ها و سازمان‌های مختلف سیاسی تدارک دیده می‌شود تا این پیام را به مردم ارسال کند که، چیزهای بد در جامعه بوسیله کمبود کار داوطلبانه ایجاد می‌شود و نه کمبود کار دولت‌ها. پژوهشگران در این مقاله پیامد سیاسی تحقیقشان در سطوح پایین را آشکار شدن این نکته می‌دانند که، آفت‌های موجود در خیلی از کشورها بوسیله کمبود عمل دولت‌ها برای کاهش نابرابری ایجاد می‌شود و نه به دلیل کمبود عضویت در انجمن‌های داوطلبانه. روستاین و اوسلانر نشان می‌دهند که کشورهایی که نمره بالایی از اعتماد اجتماعی را دارند بالاترین رتبه‌بندی را در برابری اقتصادی نیز دارا هستند و این کشورها، کشورهایی هستند که تلاش زیادی را برای ایجاد برابری در فرصت‌ها و هماهنگی بیشتری را برای اجرای برنامه‌های سازمان ملل از خود نشان داده‌اند. همچنین این کشورها همان کشورهایی هستند که میزان فساد در آن‌ها کمترین است. محققین می‌گویند بی‌اعتمادی، فساد، نابرابری اقتصادی و نابرابری در فرصت‌ها به شکل سندرم مشترکی در تمام کشورهایی که دارای اعتماد اجتماعی پایین هستند وجود دارد. نتایج این مقاله حاکی از آنست که اعتماد اجتماعی بوسیله‌ی دو نوع برابری یاد شده رشد می‌یابد. اگرچه در مطالعات خارجی به نقش اعتماد به نهادهای حکومتی و متغیرهای نهادی بسیار پرداخته شده است اما در بین پژوهش‌های داخلی تنها سه مطالعه (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸؛ شارع‌پور، ۱۳۸۸؛ سردارنیا، ۱۳۸۸) به اعتماد به نهادهای رسمی و حکومتی پرداخته‌اند و

ویژگی‌های نهادی در پژوهش‌های داخلی نادیده گرفته شده است. بنابراین به نظر می‌رسد توجه کردن به عوامل مؤثر بر اعتماد به نهادهای رسمی و متغیرهای نهادی و تلاش برای آشکار کردن سازوکارهای تأثیر آن‌ها می‌تواند در اولویت پژوهش در باره اعتماد باشد.

چارچوب نظری

در بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد نهادی در این مقاله متغیرهای نهادی برآمده از نظرات رثستاین و متغیر مشارکت اجتماعی از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان چارچوب نظری برگزیده شده است.

رثستاین با تأکید بر نقش نهادهای دموکراتیک-دموکراسی انتخابی، آزادی مدنی، حقوق سیاسی و نظریه‌ی حکمرانی خوب استدلال می‌کند که ویژگی‌های ساختاری و نهادی چون حکمرانی خوب یا کارآمدی حکومت در جامعه آثار ملموسی بر اعتماد نهادی دارد؛ به نحوی که شهروندان در یک جامعه‌ی واجد حکمرانی خوب با نهادهای کارآمد و دموکراسی مستقر، اعتماد نهادی بیشتری دارند. بو رثستاین معتقد است، آنچه برای اعتماد مهم است کارآمدی و عدالت نهادها است و وجود فساد و رشوه خواری و احساس ناامنی در رابطه با دیگران موجب فقدان اعتماد به نهادها، و فقدان اعتماداجتماعی خواهد شد (رثستاین و استوله، ۲۰۰۸). رثستاین در اثر دیگری نیز تأکید می‌کند اعتماد اغلب در جوامعی با بوروکراسی مؤثر، عادل و منصف رشد می‌کند و نهادهای موجود در جامعه عامل اصلی ایجاد و تخریب اعتماد نهادی و اجتماعی محسوب می‌شوند. در نظریه‌ی نهادی رثستاین تأکید اصلی بر نهادهای کارآمد است که به واسطه کارآمدی و عدالت خود، قراردادهای بین افراد را تضمین می‌کنند و خیانت‌کنندگان به قراردادها را مجازات می‌نمایند که این به بسط اعتماد نهادی منجر می‌شود (رثستاین، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، پاتنام معتقد است که اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن و پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲-۲۹۱). به نظر پاتنام عضویت در انجمن‌های داوطلبانه باعث یادگیری نگرش‌های همکاری و تعاون در فرد شده و او را به انجام این نوع رفتارها تشویق می‌نماید. عضویت در این انجمن‌ها سبب می‌شود که تعامل چهره به چهره افزایش یافته و فضای بهتری برای توسعه اعتماد پدید آید. بتدریج این اعتماد بین فردی به کل جامعه تعمیم می‌یابد.

روش‌شناسی

این پژوهش به صورت تطبیقی بین‌کشوری یا تطبیقی متغیرمحور (ریگین، ۱۳۸۸) انجام گرفته است. داده‌های مربوط به اعتماد نهادی، حکمرانی خوب، دموکراسی انتخاباتی، حقوق سیاسی و آزادی مدنی در ۵۴ کشور جهان برای آزمون فرضیات به‌کار گرفته شدند. برای سنجش اعتماد نهادی از پیمایش جهانی ارزش‌ها^۱ استفاده شد. استفاده از این گونه بانک‌های اطلاعاتی در کنار همه‌ی مزایایی که دارد، سنجش مفاهیم را به داده‌هایی که در آن‌ها فراهم شده است محدود می‌کند. اما داده‌هایی که در این‌جا به‌کار گرفته شده از اعتبار کافی برای آزمون فرضیات برخوردارند.

اعتماد نهادی بر اساس پرسش از میزان اعتماد فرد به کلیسا، نیروهای ارتش، مطبوعات، تلویزیون، اتحادیه‌های کارگری، پلیس، دادگاه‌ها، دولت مرکزی، احزاب سیاسی، پارلمان، ادارات عمومی، شرکت‌های بزرگ، سازمان‌های زیست‌محیطی، سازمان‌های زنان، و سازمان‌های خیریه و بشردوستانه سنجیده شده است. میانگین اعتماد به هر سازمان در هر کشور، به عنوان شاخص سنجش اعتماد به آن نهاد استفاده شده است. در این مقاله با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اعتماد نهادی به سه بعد اعتماد به نهادهای رسمی، اعتماد به نهادهای فرهنگی و اعتماد به نهادهای داوطلبانه تقسیم شد که در مقاله حاضر صرفاً داده‌های مربوط به اعتماد به نهادهای رسمی مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۱: دسته‌بندی اعتماد به نهادها

دسته	نهادها	عنوان دسته
۱	نیروهای نظامی، پلیس، دادگاه‌ها، دولت، پارلمان، خدمات عمومی،	نهادهای رسمی حاکمیتی
۲	شرکت‌های بزرگ، سازمان‌های زیست‌محیطی، سازمان‌های زنان، و سازمان‌های خیریه	نهادهای مدنی داوطلبانه
۳	کلیسا و سازمان مذهبی، رسانه‌های مکتوب، تلویزیون	نهادهای فرهنگی

هم‌چنین مؤسسه «خانه‌ی آزادی» بر اساس وضعیت آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی در کشورهای جهان، دو شاخص برای هر کشور محاسبه می‌کند که هر کدام بین ۱ تا ۷ تغییر می‌کنند. هر قدر مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد، نشان دهنده فقدان بیشتر رعایت آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی در یک کشور است. از این شاخص نیز برای سنجش وضعیت حقوق

^۱ WVS 2005-2006 Wave

^۲ Freedom House

سیاسی و آزادی مدنی در کشورها استفاده کرده‌ایم.

برای سنجش کیفیت نهادها نیز از داده‌های بانک جهانی درخصوص «شاخص جهانی حکمرانی»^۱ استفاده می‌شود. شش بعد حکمرانی خوب عبارتند از:

۱. پاسخ‌گویی: اندازه‌گیری شاخص‌های سیاسی، مدنی و حقوق بشر،
۲. بی‌ثباتی و خشونت سیاسی: اندازه‌گیری احتمال خشونت یا تغییر خشونت‌آمیز دولت، از جمله احتمال بروز حمله تروریستی،
۳. کارآمدی حکمرانی: اندازه‌گیری میزان کفایت بروکراسی و کیفیت ارائه‌ی خدمات عمومی،
۴. کیفیت مداخله و تنظیم‌کنندگی دولت^۲: اندازه‌گیری نشانه‌های سیاست‌های ضدبازار از سوی دولت،
۵. حاکمیت قانون: اندازه‌گیری کیفیت پلیس، دادگاه‌ها، قراردادهای و احتمال بروز جرم و خشونت،
۶. کنترل فساد: اندازه‌گیری میزان استفاده از مقام دولتی برای منافع شخصی از جمله فساد خرد و کلان.

نمره هر کشور در هر یک از ابعاد شش‌گانه‌ی این شاخص، مقداری بین ۲/۵- تا ۲/۵+ است. این شیوه‌ی اندازه‌گیری، قابلیت تطبیقی دارد و مقادیر محاسبه شده برای کشورهای مختلف در هر یک از ابعاد شش‌گانه در دسترس است.^۳

همچنین در پیمایش جهانی ارزشها عضویت افراد در کلیسا یا سازمانهای مذهبی؛ سازمانها و باشگاههای ورزشی؛ مؤسسات هنری، موسیقی یا آموزشی؛ اتحادیه‌های کارگری؛ حزب سیاسی؛ سازمانهای زیست محیطی؛ اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای؛ سازمانهای خیریه و بشردوستانه؛ سازمانهای مصرف‌کنندگان؛ و سایر سازمانها پرسش شده است. پاسخگویان می‌توانستند گزینه‌های عضو فعال، عضو غیرفعال، و عدم عضویت را برگزینند. از این داده‌ها برای سنجش میزان مشارکت اجتماعی در هر کشور استفاده شد.

داده‌هایی که برای دموکراسی انتخاباتی استفاده شد از داده‌های مؤسسه خانهدی آزادی تهیه شده است.

^۱ World Governance Index (WGI)

^۲ Regulatory burden

^۳ داده‌های شاخص جهانی حکمرانی در سایت www.govindicators.org موجود است.

خلاصه اینکه، شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان نشان دهنده کیفیت نهادها، شاخص‌های حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، شاخص دموکراسی انتخاباتی، و شاخص مشارکت اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل در این پژوهش انتخاب شدند.

توصیف داده‌ها

شاخص اعتماد نهادی از طریق پاسخ به میزان اعتماد مردم به نهادهای زیر سنجیده شده است: کلیسا و مسجد، نیروهای مسلح، مطبوعات، تلویزیون، اتحادیه‌های کارگری، پلیس، دادگاه و سیستم قضایی، دولت مرکزی، احزاب سیاسی، مجلس قانونگذاری یا پارلمان، ادارات دولتی، شرکت‌های بزرگ خصوصی، جنبش‌های محیط‌زیست، جنبش‌های زنان، و سازمان‌های خیریه و بشردوستانه.

مقایسه اعتماد نهادی در سطح جهانی: مقایسه میانگین اعتماد مردم به نهادهای مختلف در سطح جهانی نشان می‌دهد که نهادهایی که از بیشترین اعتماد مردم در دنیا برخوردار بودند به ترتیب عبارتند از: نهادهای مذهبی (کلیسا و مسجد)، نیروهای مسلح، و سازمان‌های خیریه. نهادهایی که از کمترین اعتماد مردم در دنیا برخوردار بودند به ترتیب عبارتند از: احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، و مجلس.

برای آن‌که شاخصی جهت گروه‌بندی کشورها به دست آید، متغیرهای مربوط به میزان اعتماد به نهادهای مختلف را که نتایج توصیفی آن در جدول ۲ آمده است را تحلیل عاملی کرده‌ایم. به این ترتیب، متغیرهای اعتماد به ۱۶ نهاد در سه دسته جا گرفته‌اند که ترکیب آن‌ها در جدول ۳ نمایش داده شده است. وجه غالب دسته‌ی اول، ارتباط آن‌ها با حاکمیت سیاسی است. در دسته‌ی دوم فقط شرکت‌های بزرگ است که خصیصه‌ی داوطلبانه و اجتماعی بودن در آن غالب نیست، اگرچه در یک اقتصاد دارای بخش خصوصی بزرگ، شرکت‌های بزرگ را نیز می‌توان بخشی از مشارکت اجتماعی داوطلبانه و جدا از حاکمیت به حساب آورد. وجه غالب دسته‌ی سوم نیز فعالیت آن‌ها در عرصه‌ی فرهنگی است.

جدول ۲: توصیف اعتماد به نهادها در کشورهای تحت بررسی

ردیف	نهاد	حداقل	حداکثر	میانگین	میانگین نمره ایران
۱	کلیسا (نهاد مذهبی)	۱/۶۱ : ژاپن	۳/۶۴ : اردن	۲/۸۱	۳/۱۶
۲	نیروهای نظامی	۲/۰۴ : پرو	۳/۶۶ : اردن	۲/۷۴	۲/۷۵
۳	رسانه‌های مکتوب	۱/۸۲ : انگلیس	۳/۰۶ : هند	۲/۳۵	۲/۳۲
۴	تلویزیون	۱/۸۲ : تایوان	۳/۰۱ : هند	۲/۴	۲/۵۳
۵	اتحادیه‌های کارگری	۱/۵۸ : آرژانتین	۲/۸۶ : هند	۲/۲۴	۲/۲۷
۶	پلیس	۱/۸۷ : پرو	۳/۵۳ : اردن	۲/۶	۲/۷۲
۸	دادگاه‌ها	۱/۶۲ : پرو	۳/۴۹ : اردن	۲/۵۱	۲/۵۲
۹	دولت	۱/۷۸ : پرو	۳/۴۲ : اردن	۲/۳۸	۲/۶
۱۰	احزاب سیاسی	۱/۵۶ : پرو	۳/۱۹ : چین	۲	۲/۱۳
۱۱	پارلمان	۱/۶۲ : آرژانتین	۳/۳۱ : چین	۲/۲۴	۲/۴۷
۱۲	ادارات دولتی	۱/۶۱ : آرژانتین	۳/۱۳ : چین	۲/۳۷	۲/۳۱
۱۳	شرکت‌های بزرگ	۱/۹۲ : آرژانتین	۲/۸۱ : آفریقای جنوبی	۲/۳۲	۲/۱۷
۱۴	جنبش‌های زیست محیطی	۲/۲ : تایلند	۲/۹۹ : مالی	۲/۶۱	۲/۵۳
۱۵	جنبش‌های زنان	۲/۱۴ : آرژانتین	۳/۰۳ : چین	۲/۵۷	۲/۳۹
۱۶	سازمان‌های خیریه	۲/۱۸ : ژاپن	۳/۳ : مصر	۲/۶۹	۲/۷۱

اعتماد رسمی: کشورهای تحت بررسی را می‌توان بر اساس سه عامل مذکور خوشه‌بندی کرد. جدول شماره ۳ خوشه‌بندی بر اساس عامل «اعتماد به نهادهای رسمی حاکمیتی» را نشان می‌دهد. برای خوشه‌بندی نیز از تحلیل خوشه بر اساس نمره‌ی عاملی هر عامل استفاده شده است. در این خوشه‌بندی شش کشور به علت نقص داده کنار گذاشته شده‌اند، و کشور چین از آن‌جا که به طرزی آشکار با بقیه‌ی کشورها در میزان اعتماد مردم به نهادهای حاکمیتی متفاوت بوده، کنار گذاشته شده است.

جدول ۳: خوشه‌بندی کشورها بر اساس «اعتماد به نهادهای رسمی حاکمیتی»

ردیف	کشورها	حداقل دسته	حداکثر دسته	میانگین
۱	فنلاند، اردن، مالزی، نروژ	۱/۳۱	۱/۶۲	۱/۴۷
۲	قبرس، هند، ژاپن، سوئد، سوئیس، ترکیه	۰/۹	۱/۱	۱/۰۳
۳	استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، غنا، ایران، ایتالیا، کره، مالی، مراکش، هلند، اسپانیا، تایلند، بریتانیا، آمریکا، زامبیا	-۰/۹	-۱/۸	۰/۲۵
۴	بلغارستان، بورکینافاسو، اتیوپی، اندونزی، روسیه، اسلونی، تایوان، اروگوئه	-۰/۶۷	-۱/۸	-۰/۴۴
۵	برزیل، شیلی، کلمبیا، گرجستان، مکزیک، مولداوی، لهستان، رومانی، آفریقای جنوبی، ترینیداد و توباگو، اوکراین	-۱/۴	-۰/۸۱	-۱/۰۴
۶	آرژانتین و پرو	-۲/۱	-۱/۸	-۲

حکمرانی خوب: در جدول زیر آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص‌های شش‌گانه‌ی حکمرانی خوب ارائه شده است.

جدول ۴: توصیف شاخص‌های حکمرانی خوب

ردیف	شاخص	حداقل	حداکثر	میانگین	میانگین نمره ایران
۱	پاسخ‌گویی	-۱/۶۹	۱/۶۶	۰/۳۴۸	-۰/۳۳۱
۲	ثبات سیاسی و عدم خشونت	-۲/۳۷	۱/۶۲	۰/۰۱۴۷	-۰/۸۱
۳	کارآمدی دولت	-۱/۷۵	۲/۱۹	۰/۴۷۶	-۰/۵۱
۴	کیفیت تنظیم‌کنندگی دولت	-۱/۷۵	۱/۸۳	۰/۴۲۶	-۱/۳۵
۵	حاکمیت قانون	-۱/۶۲	۱/۹۵	۰/۳۳۹	-۰/۵۷
۶	کنترل فساد	-۱/۴	۲/۴۸	۰/۴۱	-۰/۳۷

با ترکیب مؤلفه‌های شش‌گانه، شاخص حکمرانی خوب محاسبه گردید و سپس کشورهای مورد مطالعه از جهت این شاخص خوشه‌بندی شدند.

جدول ۵: خوشه‌بندی کشورها بر اساس «شاخص حکمرانی خوب»

ردیف	کشورها	حداقل دسته	حداکثر دسته	میانگین
۱	کلمبیا، اتیوپی، گرجستان، گواتمالا، اندونزی، ایران، روسیه، راندا، اوکراین	-۱/۴۲۳	-۱/۰۳	-۱/۱۸
۲	آرژانتین، برزیل، بلغارستان، چین، مصر، غنا، هند، اردن، مالی، مکزیک، مولداوی، مراکش، پرو، رومانی، تایلند، ترینیداد و توباگو، ترکیه،	-۰/۹۲	-۰/۱۳	-۰/۵۴۷
۳	ایتالیا، کره جنوبی، مالزی، لهستان، آفریقای جنوبی، اروگوئه	۰/۰۳۶	۰/۲۹۴	۰/۲۰۶
۴	آندورا، استرالیا، کانادا، شیلی، قبرس، فنلاند، فرانسه، آلمان، ژاپن، هلند، نیوزیلند، نوژ، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایوان، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا،	۰/۵۳۸	۱/۶۸۴	۱/۱۶۲

آزمون تحلیل عاملی نشان می‌دهد که هر شش شاخص حکمرانی خوب را می‌توان یک عامل تلقی کرد. شاخص KMO برای این تحلیل عاملی ۰/۸۷۶ است و از تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی حکایت دارد. در ضمن، بار عاملی کلیه‌ی متغیرها روی عامل پنهان «حکمرانی خوب» بین ۰/۹۱۳ تا ۰/۹۱۸ است و این بدان معناست که عامل مشترک به شدت تبیین‌کننده‌ی واریانس متغیرهاست. از این‌رو می‌توان با اطمینان عامل حکمرانی خوب را تعریف کرده و نمره‌ی عاملی آن‌را برای خوشه‌بندی کشورها به کار گیریم. شاخص حکمرانی خوب در بین کشورهای تحت بررسی بین حداقل ۲/۲۸۵- تا حداکثر ۱/۶۸۴ در تغییر است. پایین‌ترین میزان متعلق به عراق و بالاترین میزان نیز متعلق به فنلاند است. برای خوشه‌بندی کشورها، عراق را از جمع آن‌ها کنار گذاشته‌ایم. این کشور در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ در اوج بحران ناشی از اشغال و جنگ قرار داشته است. از همین‌رو وضعیت بسیار نامساعد آن سبب متمایز شدن آن از همه‌ی کشورهای دیگر شده بود.

فرضیات

فرضیات تحقیق عبارتند از:

۱. با افزایش میانگین پاسخگویی و شفافیت حاکمیت میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۲. با افزایش میانگین ثبات سیاسی میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۳. با افزایش میانگین کارآمدی حکومت میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۴. با افزایش میانگین کیفیت تنظیم‌کنندگی دولت میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۵. با افزایش میانگین حاکمیت قانون میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۶. با افزایش میانگین کنترل فساد میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۷. با بالا رفتن سطح دموکراسی انتخابی، میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۸. با بالا رفتن آزادی‌های مدنی، میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۹. با بالا رفتن حقوق سیاسی، میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.
۱۰. با بالا رفتن مشارکت اجتماعی، میزان اعتماد به نهادهای رسمی افزایش می‌یابد.

آزمون فرضیات

با توجه به اینکه کشورها از لحاظ اعتماد به نهادهای رسمی خوشه‌بندی شده بودند، لذا برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج آزمون فرضیات که در جدول شماره ۶ آمده است، نشان داد که: بین کشورهایی که در آن میزان اعتماد به نهادهای رسمی بالاست و کشورهایی که دارای اعتماد به نهادهای رسمی کمتری هستند، از لحاظ میانگین پاسخگویی و شفافیت حاکمیت، ثبات سیاسی، کیفیت تنظیمی دولت، دموکراسی انتخاباتی، آزادی مدنی، حقوق سیاسی و عضویت در سازمان‌های داوطلبانه، در سطح ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین کشورهایی که در آن میزان اعتماد به نهادهای رسمی بالاست و کشورهایی که دارای اعتماد به نهادهای رسمی کمتری هستند، از لحاظ میانگین حاکمیت قانون، کنترل فساد و کارآمدی حکومت، در سطح ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیات

Sig	F	
۰.۱۶۷	۰.۶۷	پاسخگویی و شفافیت
۰.۰۹۱	۲.۰۵۵	ثبات سیاسی
۰.۰۱۷	۳.۱۴	کارآمدی حکومت
۰.۰۶۷	۱.۶۴	کیفیت تنظیم‌کنندگی دولت
۰.۰۰۱	۴.۹۱	حاکمیت قانون
۰.۰۲۶	۲.۸۶	کنترل فساد
۰.۱۳۸	۱.۷۸	دموکراسی انتخاباتی
۰.۷۰۷	۰.۵۹	حقوق سیاسی
۰.۶۶	۰.۶۴	آزادی مدنی
۰.۲۸	۱.۲۹	مشارکت اجتماعی

به منظور مقایسه‌ی قدرت تبیینی متغیرهای ارائه‌شده برای تبیین اعتماد به نهادهای رسمی از تحلیل رگرسیونی استفاده به عمل آمد تا ضمن شناسایی سهم هر یک از متغیرها، بتوان اهمیت نسبی هریک از متغیرهای فوق را تعیین نمود.

در تحلیل رگرسیونی برای تبیین متغیرهای اعتماد به نهادهای رسمی از سه متغیر مستقل استفاده شد:

الف- متغیر مشارکت اجتماعی: با ترکیب عضویت افراد در انجمن‌های مختلف داوطلبانه، متغیر مشارکت اجتماعی ساخته شد که معرف تأثیر مشارکت در انجمن‌ها بر اعتماد به نهادهای حکومتی است.

ب- متغیر شاخص حکمرانی خوب: با ادغام مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی: کارآمدی حکومت، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگویی، کیفیت مقررات تنظیمی، و کنترل فساد، متغیر جدیدی به نام شاخص حکمرانی خوب ساخته شد که معرف تأثیر متغیرهای فوق بر اعتماد به نهادهای رسمی است.

ج- متغیر آزادی سیاسی: برای کاهش همخطی میان آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی، آن‌ها را با هم جمع کرده و یک متغیر از ادغام آن‌ها ساخته شد. به این ترتیب با ترکیب متغیر آزادی مدنی و حقوق سیاسی، متغیر آزادی سیاسی ساخته شد که معرف تأثیر شرایط سیاسی

بر اعتماد است.

مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر اعتماد به نهادهای رسمی حکومتی:

جدول ۷: خلاصه‌ی مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین اعتماد به نهادهای رسمی

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R square	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری ازمون F
Enter	۰/۶۴۴	۰/۴۱۵	۰/۳۷۵	۱۰/۳۸۴	۰/۰۰۰

جدول ۷ تحلیل رگرسیونی چندمتغیره‌ی مشتمل بر سه متغیر است. بر اساس یافته‌های جدول، متغیرهای مستقل به‌طور همزمان ۰/۶۴۴ با متغیر وابسته همبستگی دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که این متغیرها می‌توانند حدود ۴۱ درصد از تغییرات اعتماد به نهادهای رسمی را تبیین نمایند.

جدول ۸: ضرایب تأثیر مدل رگرسیونی متغیرهای تبیین‌کننده‌ی اعتماد به نهادهای رسمی

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	T-value (ارزش T)	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	-۱/۹۲۴	-	-۴/۳۱۲	۰/۰۰۰
شاخص حکمرانی خوب	۰/۲۱۱	۰/۹۵۹	۵/۵۳۲	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۲	۰/۱۰۳	۰/۸۷۰	۰/۳۸۹
آزادی سیاسی	۰/۲۵۲	۰/۷۸۵	۴/۴۶۵	۰/۰۰۰

بر طبق جدول ۸ از بین سه متغیر مستقل، دو متغیر حکمرانی خوب و آزادی سیاسی دارای تأثیر معنی‌دار و مثبت بر متغیر وابسته هستند. بر اساس اطلاعات موجود در جدول فوق، برای تبیین اعتماد به نهادهای رسمی متغیرهای مهم به ترتیب اهمیت، عبارتند از: حکمرانی خوب و سپس آزادی سیاسی.

نتیجه‌گیری

تحلیل فوق‌نشان داد که کارآمدی حکومت و حاکمیت قانون و کنترل فساد با اعتماد به نهادهای رسمی رابطه‌ی معناداری دارد که این یافته دال بر یکی از مهم‌ترین ایده‌های نهادگرایان است که بر کیفیت نهادها در ایجاد اعتماد به نهادهای حاکمیتی تأکید می‌کنند. رشتاین کارآمدی حکومت و اطمینان از مجازات خیانت‌کنندگان به اعتماد و مسدود شدن مسیرهایی که به بی‌اعتمادی منجر می‌شوند را مؤثرترین عامل در ایجاد اعتماد می‌داند.

شاخص دموکراسی انتخاباتی تفاوت معناداری با اعتماد به نهادهای رسمی حاکمیتی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که مشروعیت دموکراتیک ناشی از فرایندهای انتخاباتی به‌تنهایی برای ایجاد، حفظ و تضمین سطح قابل‌قبولی از اعتماد نهادی کفایت نمی‌کند و صرف دموکراتیک بودن نمی‌تواند مولد سرمایه‌ی اجتماعی از مسیر تولید اعتماد باشد.

نکته‌ی مهم دیگر، این است که شاخص‌های آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی نیز تفاوت معناداری با اعتماد به نهادهای رسمی حاکمیتی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی در ایجاد اعتماد به نهادهای حاکمیتی مؤثر نیست و آنچه اهمیت دارد، کارآمدی حکومت و حاکمیت قانون و کنترل فساد و به عبارتی کیفیت نهادی است که بیشترین تأثیر را بر اعتماد به نهادهای رسمی دارد. همچنین متغیر مشارکت اجتماعی از رابطه‌ی معناداری با اعتماد به نهادهای حاکمیتی برخوردار نبود. این یافته نشان می‌دهد که نظریه‌ی پاتنام در خصوص تأثیر مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه بر اعتماد به صورت جدی قابل‌نقد است. تحلیل رگرسیونی برای متغیر وابسته یعنی اعتماد به نهادهای رسمی نشان داد که برای تبیین اعتماد به نهادهای رسمی حکومتی متغیرهای مهم، به ترتیب اهمیت، عبارتند از: حکمرانی خوب و سپس آزادی سیاسی.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و حسنی راد، کریم. (۱۳۸۸). نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ی روستایی. *پژوهشنامه‌ی علوم اجتماعی*، ۳(۱)، ۲۷-۷.
۲. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
۳. پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: غدیر.
۴. زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد نظریه‌ی جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۵. سردارنیا، خلیل‌الله، قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا. (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه‌ی اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه‌ی موردی شهرهای مشهد و سبزوار. *پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی*، ۵(۱)، ۲۷-۱۵.
۶. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد به نیروهای انتظامی (مطالعه‌ی موردی: استان مازندران). *مجله‌ی علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۴)، ۱۶-۱.
۷. فاضلی، محمد و جنادله، علی. (زیر چاپ). سرمایه‌ی اجتماعی و سلامت روانی در شهر تهران. *مجله‌ی مسائل اجتماعی ایران*.
۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
۹. منصوریان، محمدکریم و قدرتی، حسین. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه: شهر سبزوار). *مجله‌ی علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۲)، ۲۱۵-۱۸۹.
۱۰. نورث، داگلاس سی. (۱۳۸۵). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. ترجمه محمدرضا معینی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
11. Halpern, D. (2005). *Social capital*. Cambridge: Polity Press.
12. Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2007). *Governance matters VI: Governance indicators for 1996-2006*. The World Bank.
13. Kaufmann, D., Kraay, A. & Zoido-Lobaton, P. (1999). *Aggregating Governance Indicators*. The World Bank.
14. Kaufmann, D., Kraay, A., Mastruzzi, M. (2005). *Measuring governance using cross-country perceptions data*. The World Bank.
15. Miztal, B. A. (1996). *Trust in modern societies*. Cambridge: Polity press.
16. Rothstein. B. (2010). Corruption, happiness, social trust and the welfare state: A causal mechanisms approach. *QoG Working Paper Series 2010*:

- 9-53.
17. Rothstein, B. & Daniel, E. (2009). Political Corruption and Social Trust - An Experimental Approach. *Rationality and Society*, 21, 1-19.
 18. Rothstein, B. & Solle, D. (2008). The state and social capital: A theory of generalized trust. *Comparative Politics*. 40(4), 34-53.
 19. Rothstein, B. (2005). *Social traps and the problem of Trust*. Cambridge: Cambridge University press.